

*Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,*  
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)  
Monthly Journal, Vol. 22, No. 4, Summer 2022, 167-188  
Doi: 10.30465/CRTLS.2021.31411.1884

## **Spins of Justice: A Critique of Liberal Justice from the Perspective Of Libertarian Justice**

### **A Critical Review on the Book *"Statelessness, Government and Utopia"***

**Shahab Dalili\***

#### **Abstract**

Throughout the history of philosophy, there have been questions that the most important of which can be formulated and identified around the concept of justice and freedom. In the twentieth century, the relationship between justice and freedom became more and more important for human societies, and the most important scientific works addressed it. The theory of justice proposed by John Rawls in this regard became the focus of scientific discussions and aroused the concern of politicians. Robert Nozick defended justice as entitlement in Rawls' critique of justice as fairness. They first introduced the welfare state and second the minimal government as eligible for justice in societies. Due to this, other dualities such as individual rights / collective good, equal status /equal opportunity, need / merit, etc. were proposed. In this article, after introducing the sections of the book *"Statelessness, Government and Utopia"*, an attempt is made to analyze Nozick's

\* PhD, Department of Political Science, Islamic Azad University, Tehran, Iran,  
shahabdalili@yahoo.com

Date received: 20/01/2022, Date of acceptance: 28/05/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

criticisms of John Rawls, followed by a critical re-reading of some objections to the idea of entitlement justice and Nozick's minimal government.

**Keywords:** Robert Nozick. John Rawls, Welfare State, Justice, Minimum Government

## چرخش‌های عدالت: نقد عدالت لیبرالی از منظر عدالت لیبرتارینی

### بررسی و ارزیابی کتاب بی‌دولتی، دولت و آرمان‌شهر

شهاب دلیلی\*

#### چکیده

در سراسر تاریخ فلسفه پرسش‌هایی مطرح بوده و هست که مهم‌ترین آنها را می‌توان حول مفهوم عدالت و آزادی صورت‌بندی و شناسایی کرد. در قرن بیستم نسبت بین عدالت و آزادی بیش از پیش برای جوامع بشری اولویت پیدا کرد و مهم‌ترین آثار علمی به آن پرداختند. نظریه عدالتی که از سوی جان رالز در این خصوص مطرح شد محوریت مباحث علمی را مختص خود ساخته و دغدغه سیاستمداران را برانگیخت. رابرت نوزیک در نقد عدالت به‌مثابه انصاف که رالز مطرح کرد از عدالت به‌مثابه استحقاق دفاع کرد. رالز دولت رفاهی و نوزیک دولت کمینه را واجد شرایط تحقق عدالت در جوامع معرفی کردند. به این سبب دوگانه‌های دیگری چون حق فرد / خیر جمع، وضع برابر / فرصت برابر، نیاز / شایستگی و... در اندیشه این دو مطرح شد. نوزیک در کتاب بی‌دولتی، دولت و آرمان‌شهر به تشریح علل تقدم یکی از این دوگانه‌ها بر دیگری پرداخت. در این نوشتار پس از معرفی بخش‌های کتاب بی‌دولتی، دولت و آرمان‌شهر تلاش می‌شود تا از یک سو انتقادات نوزیک به جان رالز مورد واکاوی قرار گرفته و در پی آن با یک بازخوانی انتقادی برخی ایرادات وارده به ایده عدالت استحقاقی و دولت کمینه نوزیک مطرح شود.

**کلیدواژه‌ها:** رابرت نوزیک، جان راولز، دولت رفاهی، عدالت استحقاقی، دولت کمینه، آنارشی.

\* دکترای علوم سیاسی، گرایش اندیشه سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،  
shahabdalili@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۷



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

## ۱. مقدمه: در میانه آزادی و عدالت

در دوره‌های متمادی تاریخ دوران عصر مدرن همواره این پرسش در ذهن عوام و خواص شکل می‌گیرد که وظیفه دولت (با تسامح حاکمیت) چیست؟ یا کمی عمیق‌تر پرسیده می‌شود که کدام رفتار دولت‌ها عادلانه است و کدام یک نیست؟ عدالت چیست؟ بعدتر یک ذهن پرسش‌گر می‌پرسد که آیا اساساً دولت‌ها می‌توانند عدالت را اجرا کنند و با شهروندان رفتاری عادلانه داشته باشند؟ با تکیه بر وقایع تاریخ صدساله اخیر می‌توان بیان داشت که این پرسش برای ذهن ایرانیان در دوران معاصر نیز بارها و بارها مطرح شده و آنها پاسخ‌های متفاوتی را دریافت کرده‌اند.<sup>۱</sup> اما با تکیه بر همان مستندات تاریخی می‌توان مطمئن شد که همچنان این پرسش پابرجاست و دغدغه آن از ذهن پرسشگر ایرانیان رفع نشده است. آیا اساساً دولت می‌تواند رفتاری عادلانه با شهروندان داشته باشد؟ یا گامی به عقب برداریم، اساساً رفتار عادلانه با شهروندان کدام است؟ که به واسطه آن شناخت بتوان به ساختار سیاسی خُرده گرفت که کی و کجا رفتاری عادلانه با شهروندان داشته و کی و کجا رفتاری عادلانه با شهروندان نداشته است. فیلسوفان سیاسی پاسخ‌های متفاوت و متنوعی به این پرسشگری‌ها داده‌اند.

این مسئله از منظر فلسفه سیاسی واجد دو محور عدالت و آزادی است و در مواقع بسیاری بر سر تقدم و تاخر این دو است که نظام‌های فکری شکل می‌گیرند. محور دیگر، محور عدالت / آزادی می‌باشد که شامل دوگانه فردی / جمعی است. بر سر تقدم و تأخیر این دومی نیز توافق جامعی میان فیلسوفان سیاسی شکل نگرفته است. این نمودار با چهار محوطه‌ای که از تقاطع محور عدالت / آزادی با فردی / جمعی ایجاد می‌کند، پیچیدگی مسئله را نمایان می‌سازد.

هر اجتماع انسانی دارای مواهب و منابعی شامل «قدرت»، «منزلت و موقعیت اجتماعی» و «ثروت» است. پرسش اساسی در مبحث عدالت اجتماعی آن است که معیارها و اصول حاکم بر سامان ساختار اجتماعی چه باید باشد تا جامعه عادلانه‌ای تشکیل شود و ساختار اساسی آن جامعه مبتنی بر اصول عدالت شکل گیرد؟ و همچنین خللی نیز بر آزادی شهروندان وارد نشود؟ البته همه می‌پذیرند که اجرای عدالت لازم و ضروری است؛ اما مسئله بر سر توافق روی مصادیق اجرای عدالت ظاهر می‌شود.

### چرخش‌های عدالت: نقد عدالت لیبرالی از منظر ... (شهاب دلیلی) ۱۷۱

پس از انتشار کتاب *نظریه‌ای درباره عدالت* بود که دوگانه آزادی / عدالت تبدیل به بحث غالب جوامع علمی و سیاسی دنیا شد و هرکدام از اندیشمندان و فلاسفه سیاسی، براساس رویکردی به این موضوع پرداخته‌اند. به این ترتیب می‌توان بیان داشت که فلسفه سیاسی معاصر صرفاً بر حول دوگانه آزادی / عدالت تمرکز یافته است (Brian Barry, 1989 : 3)؛ یعنی مفاهیمی که هدف از حکومت و سیاست‌های عمومی را تعیین می‌نمایند و تفاوت تنها بر سر آن است که تقدم و تأخر یکی بر دیگری چگونه صورت‌بندی و عملیاتی خواهد شد.

بر خلاف قرن نوزدهم که پرچمدار آراء و افکار حوزه عدالت محدود به دیدگاه‌های چپ و سوسیالیستی می‌شود، لیبرال‌های قرن بیستم پرچمدار عدالت‌پژوهی شدند و نظریه‌هایی چون آزادی‌مداری از هایک، قراردادگرایی از جان رالز، رفاه‌گرایی از ریچارد پازنر، زمینه محوری از مایکل والزر و قابلیت‌مداری از آمارتیا سن مطرح شد. البته که به همان میزانی که عدالت‌پژوهی محوریت یافت، آراء جان رالز نیز محوریت یافت و متعاقب آن نیز هر گونه نقدی به نقد آراء رالز مربوط می‌شود. در حالت کلان جدل علمی موافقان و مخالفان در میانه دوگانه «دولت محدود» و «دولت رفاهی» قابلیت صورت‌بندی داشت. یکی از مهم‌ترین منتقدینی که آراء رالز به خود دید، رابرت نوزیک<sup>۱</sup> (Robert Nozick) و مهم‌ترین اثر وی، کتاب *بی‌دولتی، دولت و آرمان‌شهر*<sup>۲</sup> است.

در صورتی که بخواهیم دوگانه بحث نوزیک / رالز را به طور انضمامی و کمی ملموس‌تر در زندگی به تصویر بکشیم شاید با تسامح بتوان این گونه گفت؛ فردی که در قمار برنده می‌شود، بخشی از دارایی‌های همسرش به او می‌رسد، یا هدیه‌ای (مادی) از دوستی به او می‌رسد و یا سود سرمایه‌گذاری خود را دریافت می‌کند و مواردی از این دست، آیا دولت محق است و می‌تواند بخشی از آن دارایی را گرفته و به دیگر شهروندان بدهد؟ وظیفه یک دولت عدالت‌محور چیست؟ این یکی از اولین و شاید مهم‌ترین پرسش‌های علم سیاست در دوران مدرن است. نوزیک در کتاب *بی‌دولتی، دولت و آرمان‌شهر*، به این دست از پرسش‌ها در قالب نقد آراء رالز پاسخ می‌دهد و از این رهگذر، صورت‌بندی جدیدی از نسبت عدالت و آزادی ارائه می‌کند.

## ۲. معرفی نویسنده

زمانی که در سال ۱۹۹۹ جان رالز از بیل کلیتون نشان ملی علوم انسانی را دریافت کرد، کلیتون گفت: «جان رالز را شاید بتوان بزرگ‌ترین فیلسوف سیاسی قرن بیستم نامید» (تلیس، ۱۳۸۵: ۲۴). نه تنها یک سیاستمدار برجسته، بلکه فیلسوفی چون تامس نیگل نیز رالز را مهم‌ترین فیلسوف قرن بیستم می‌داند (توحیدفام، ۱۳۹۱: ۹۶). این در حالی بود که رابرت نوزیک به‌عنوان یک تئوریسین مطرح در عرصه فلسفه سیاسی تا اواخر دهه ۸۰ مشهور و مقبول است و امروز به‌عنوان مهم‌ترین منتقد فیلسوف قرن (یعنی جان راولز) شناخته می‌شود.

رابرت نوزیک که از بازماندگان «اشنتل»<sup>۴</sup> محسوب می‌شود که در ۱۹۳۸ از والدین مهاجر یهودی در بروکلین / نیویورک متولد شد؛ به گفته خودش با مباحث فلسفه از طریق کتاب جمهوریت افلاطون آشنا شده بود و در دانشگاه پرینستون فلسفه خواند و لیسانس فلسفه خود را در سال ۱۹۵۹ گرفت و متعاقب آن دکترای فلسفه خود را از همان دانشگاه در سال ۱۹۶۳ اخذ کرد ([www.biography.yourdictionary.com/robert-nozick](http://www.biography.yourdictionary.com/robert-nozick)). نوزیک با آنکه در ۳۰ سالگی به کرسی استادی دانشگاه هاروارد دست یافته بود، اما قبل از آن صاحب مقام استادی در هاروارد، استادیار دانشگاه‌های پرینستون، راکفلر و هاروارد نیز بود. در همان سال‌ها بود که نوزیک همکار جان رالز در دانشگاه هاروارد شد و بعدتر در سال ۱۹۷۴ مهم‌ترین کتاب خود را نیز به نام *آناشرشی، دولت، آرمان‌شهر* منتشر کرد.<sup>۵</sup>

با آنکه در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم نوزیک پس از یک دوره آشنایی با آثار و سیاست‌های چپ جدید و سوسیالیسم، با آثار مدافعان سرمایه‌داری مانند فردریش فون هایک<sup>۶</sup>، لودویگ فون میزس، موری راتبارد و... آشنا شد؛ اما تا به انتها آثار و تمایلات مطالعاتی او به همین حوزه مختص ماند؛ آنچنان که در کنار بی‌دولتی، دولت، آرمان‌شهر (Anarchy, State, and Utopia / 1974) شاهد آثاری چون روشننگری‌های فلسفی (Philosophical Explanations / 1981)، زندگی آزموده‌شده (The Examined Life / 1989)، سرشت عقلانیت (The Nature of Rationality / 1993)، معماهای سقراطی (Socratic Puzzles / 1996) و تغییرناپذیری: ساختار جهان عینی (Invariances: The Structure of the Objective / 2001) از نوزیک هستیم. او همچنین در کنار مباحث عدالت و آزادی، سهم بسیار مهمی در مطالعات معرفت‌شناختی، مسئله هویت فردی و نیز نظریه تصمیم‌گیری و انتخاب

### چرخش‌های عدالت: نقد عدالت لیبرالی از منظر ... (شهاب دلیلی) ۱۷۳

داشته است. چندوجهی بودن مطالعات نوزیک نسبت به دیگر نظریه‌پردازان لیبرالیسم و عدالت اجتماعی، جایگاه رفیع‌تری برای او به وجود آورده است. اما با جسارت می‌توان گفت که بی‌دولتی، دولت و آرمان‌شهر که حاصل مباحثه او با مایکل والزر، رونالد دورکین و موری راتبارد و جوابیه‌ای به نظریه عدالت (جان رالز) بود، برترین اثر وی محسوب می‌شود.<sup>۷</sup> کتابی که خیلی زود به مانیفست فلسفی محافظه‌کاران و لیبرترین‌ها تبدیل شد.

نوزیک نیز به سان رالز که شبکه‌ای از مفاهیم هم‌چون عدالت انصافی، پرده جهل، اصل تفاوت و... را با تعبیر خویش وارد عرصه فلسفه سیاسی کرد، شبکه‌ای از مفاهیم هم‌چون عدالت استحقاقی، دولت کمینه / حداقلی و... را با تعبیر خاص خویش وارد فلسفه سیاسی کرد. به این ترتیب رالز از یک سو با تکیه بر عدالت اجتماعی و حمایت از دخالت دولت در روابط اقتصادی و اجتماعی از «دولت رفاه» دفاع می‌کرد و از سوی دیگر نوزیک با تکیه بر مالکیت شخصی (Private possession) و عدم دخالت دولت در روابط اقتصادی و اجتماعی از «دولت کمینه / حداقلی» (Minimal state) حمایت می‌کرد.

یکی از تفاوت‌های لازم به توجه در خصوص کتاب نوزیک آن است که اصل بدیهی این کتاب که در سال‌های بعد از ۱۹۶۸<sup>۸</sup> نوشته شده است، این بود که «افراد حقوقی دارند و این حقوق آن چنان نیرومند است و دامنه‌ای دارد که این سوال را مطرح می‌کند که آیا نیرویی برتر از آن می‌تواند وجود داشته باشد؟» (دلکامپانی، ۱۳۸۲ : ۱۹۰). در آن سال‌ها این نوشته استعداد آن را داشت تا توسط جنبش‌های دانشجویی مصادره به مطلوب شود. در حالی که

نوزیک قائل به فردگرایی (در برخی موارد اختیارگرایی رادیکال<sup>۹</sup>) است و در مقابل آراء سوسیالیست‌ها، دولت‌گرایی و کل‌گرایی را رد و نفی می‌کند و به این سبب و برای حفظ حقوق افراد به دولتی حداقلی رای می‌دهد. (حقیقت، ۱۳۹۱ : ۳۷۹).

البته با بررسی روند حوزه‌های مطالعاتی نوزیک می‌توان متوجه فرود و فرازهایی شد. آنچنان که سال‌ها بعد از انتشار بی‌دولتی، دولت و آرمان‌شهر، وی در زندگی آزموده<sup>۱۰</sup> مجموعه‌ای از تأملات شخصی درباره زندگی، مرگ و... را شرح داد و نوشت «می‌خواهم از پاکی و وقار یک سیب سخن بگویم، از لذت و شهوت آتشین توت فرنگی<sup>۱۱</sup>». به زعم برخی منتقدین آراء نوزیک (واربرتون، ۱۳۹۴)، وی در همین اثر است که آراء کتاب بی‌دولتی، دولت و آرمان‌شهر را رد می‌کند و می‌نویسد: «موضع لیبرتارینی که روزگاری مطرح

کرده بودم، امروز در نظرم بسیار نارسا می‌نماید.» در حالی که بیشتر به نظر می‌رسد که نوزیک از تلاش برای متقاعد کردن دیگران به دیدگاه‌های فلسفی خود، ناامید شده است. البته او بعدتر در ۱۹۸۹ در مقاله‌ای با عنوان «زیگزاگ سیاست» کم‌وبیش آراء کتاب بی-دولتی، دولت و آرمان‌شهر را انکار می‌کند و به نفع حق اکثریت دموکراتیک برای استفاده از سازوکارهای دولتی برای دستیابی به منافع مشترک رای می‌دهد؛ که بیشتر اهمیت دادن به پرداختن به مشکلات از طریق مجاری رسمی را مدنظر دارد.

با آنکه نوزیک در سن ۵۶ سالگی متوجه ابتلا به سرطان معده شده بود اما تا سن ۶۳ سالگی زیست و در نهایت در سال ۲۰۰۲ درگذشت. کتاب بی‌دولتی، دولت و آرمان‌شهر او، از سوی ضمیمه تایمز به عنوان یکی از صد کتاب برتر بعد از جنگ جهانی دوم معرفی شد و در ایران نیز ترجمه این اثر نامزد سی و پنجمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در گروه فلسفه و روانشناسی و در بخش فلسفه غرب شد. مخاطبان ایرانی که پیش‌تر با نظریه‌ای در باب عدالت آشنا شده بودند از این کتاب نیز استقبال کردند.

### ۳. تریلوژی نوزیک در یک کتاب: بی‌دولتی، دولت، دولت کمینه<sup>۱۲</sup>

همان‌گونه که از نام این کتاب برمی‌آید، از سه بخش بی‌دولتی، دولت و آرمان‌شهر تشکیل شده که به لحاظ محتوایی در بخش اول به «نظریه وضع طبیعی یا چطور بی‌آنکه واقعا بکوشیم به درون دولت بازگردیم»، در بخش دوم به «فراتر از دولت کمینه» و در بخش سوم به «آرمان‌شهر» پرداخته می‌شود. بخش اول شامل ۶ فصل با عناوین «چرا نظریه وضع طبیعی؟»، «وضع طبیعی»، «قیدهای اخلاقی و دولت»، «ممنوعیت، غرامت، خطر»، «دولت» و «تاملاتی دیگر درباره برهان در دفاع از دولت» مطرح می‌شود. مطالب فصل دوم تحت عناوین «عدالت توزیعی»، «برابری، حسادت، بهره‌کشی و جز آن‌ها» و «مردم مالکی» می‌باشند و در انتها در بخش سوم «چارچوبی برای آرمان‌شهر» آمده است.

همانطور که نوزیک خود در بخش سپاسگزاری بیان می‌کند

نُه فصل نخست این کتاب را در سال‌های ۷۲-۱۹۷۱ نوشته است. به عبارتی سال‌هایی که او عضو مرکز مطالعات پیشرفته علوم رفتاری در پالوآلتو بوده بخش اعظم این کتاب تنظیم شده است. نهادی دانشگاهی که به گفته خود نوزیک «با کم‌ترین ساختار بندی به بی‌دولتی فردگرایانه پهلومی‌زند (نوزیک، ۱۳۹۵ : ۹).



نوزیک در بخش اول با تکیه بر خوانشی لاکمی<sup>۱۳</sup> از «نظریه وضع طبیعی»، وجود دولت را توجیه و یک وضعیت آنارشیک را نقد می‌کند. او در فصل اول از این بخش با تشریح نظریه وضعیت طبیعی، وضعیت بی‌دولتی را رد می‌کند و با برشمردن دلایلی به توجیه دولت حداقل در برابر ادعاهای آنارشیست‌ها می‌پردازد و توأمان بر لزوم وجود دولت به‌سان یک آژانس حفاظتی برتر جهت صیانت از حقوق همگان به واسطه زور تأکید می‌کند چرا که در وضعیت طبیعی، امنیت و حفاظت در برابر دیگران نخستین نیاز است؛ لذا برای این هدف است که بنگاه‌ها و انجمن‌های محافظ خصوصی شکل می‌گیرند و از تجمیع آن‌ها است که دولت کمینه به‌وجود می‌آید (نوزیک، ۲۱-۳۲) و تنها این دولت حداقلی است که به واسطه حفاظت از حقوق فردی، انحصار کاریست زور را دارا می‌باشد. لذا «دولت کمینه تنها و بزرگ‌ترین دولت توجیه‌پذیر است.» و هر دولتی بزرگ‌تر یا کوچک‌تر از دولت کمینه ناعادلانه است. به زعم نوزیک «وجود دولت موجه است، ولی تا زمانی که یک دولت کمینه بماند» (سرپرست سادات، ۱۳۹۶: ۱۰). به این ترتیب است که نوزیک در نقد آنارشیست‌ها، دوگانه حق فردی / دولت کمینه را صورت‌بندی می‌کند. آنچنان که جمله ابتدایی کتاب بی-دولتی، دولت و آرمان‌شهر با این جمله شروع می‌شود: «آدمیان<sup>۱۴</sup> حقوقی دارند و کارهایی هست که هیچ شخص یا گروهی نمی‌تواند با آنان انجام دهد، مگر با نقض حقوقشان<sup>۱۵</sup>» (نوزیک، ۱۳۹۵: ۱) و در ادامه می‌نویسد: «دولت مجاز نیست از سازویرگ جبرآمیزش برای واداشتن برخی شهروندان به کمک کردن به دیگران یا برای بازداشتن افراد از برخی کارها به خاطر صلاح خود آنها یا به خاطر محافظت از خود آنها استفاده کند»<sup>۱۶</sup> (نوزیک، ۱۳۹۵: ۱).

نوزیک در بخش دوم این کتاب بر نقد اندیشه رالز متمرکز می‌شود و شرح می‌دهد که رالز در کاربرد میان «عدالت در گرفتن» و «عدالت در داشتن» اشتباه کرده است. نوزیک در این بخش با تشریح و رد ابعاد عدالت توزیعی و اولویت دادن به «عدالت در داشتن»، نظریه عدالت استحقاقی خود را بیان می‌کند (نوزیک، ۱۳۹۵: ۲۰۱). او در این بخش تلاش می‌کند تا نشان دهد تنها نظریه تاریخی عدالت است که به جای پرداختن به الگوهای توزیع و یا بازتوزیع ثروت اقتصادی و مواهب اجتماعی، به شیوه به دست آوردن و انتقال دارایی‌ها نظر دارد و به شناخت و حفظ حقوق مالکیت فردی توجه می‌کند. به این ترتیب اگر در بخش اول نوزیک با نقد آراء آنارشیست‌ها بر لزوم وجود دولت حداقلی تأکید دارد؛ در بخش دوم

در مقابل قائلان به دولت حداکثر می‌ایستند و با نقد سازوکارهای دولت حداکثر، بر شناخت و حفظ حقوق فرد تأکید می‌کند.

نوزیک در این بخش همچنین به منظور تأکید بر اولویت حق فردی، سه اصل عدالت استحقاقی را بیان می‌دارد که شامل: اول؛ اصل عدالت در اکتساب (به معنای اکتساب اولیه دارایی‌ها و به معنای تصرف چیزهای بی‌مالک است). دوم؛ اصل عدالت در انتقال (به معنای انتقال داوطلبانه و غیراجباری دارایی‌ها از فردی به فرد دیگر می‌باشد). سوم؛ عدالت به معنای رفع بی‌عدالتی ناشی از نقض دو اصل اول است (نوزیک، ۱۳۹۵: ۲۰۱-۲۰۴). او تأکید می‌کند که «قربانی کردن موجه برخی در راه برخی دیگر کاملاً بی‌معنا است».

نوزیک در ادامه و در بخش سوم به تشریح بایسته‌های دولت کمینه می‌پردازد و وضعیت مطلوب خود را ترسیم می‌کند. در این وضعیت دولت کمینه به مثابه چارچوبی برای شکل دادن به دنیای بهتر است. دولتی که تا حد ممکن با رعایت حق فردی، زمینه را برای انتخاب زندگی بهتر از سوی فرد، مهیا می‌سازد.

به این ترتیب نوزیک در بخش اول کتاب، وجود دولتی حداقلی را توجیه می‌کند و در بخش دوم می‌گوید که هر دولت فراکمینه، غیرقابل توجیه و غیرعادلانه است و در مقابله با عدالت توزیعی اعمال شده از سوی دولتی فراکمینه، نظریه عدالت استحقاقی را بنا می‌نهد که نیازی به دولت فراکمینه حداکثر ندارد.

این گزاره را که تنها یک دولت کمینه، عادلانه و اخلاقی است را می‌توان به عنوان هسته مرکزی ایده نوزیک برشمرد. یک دولت کمینه، به معنای دولتی است که اساساً به عنوان «نگهبان شب» (Nightwatchman) عمل می‌کند و دارای اختیاراتی محدود برای محافظت از شهروندان در برابر خشونت، سرقت و کلاهبرداری است. این دولت آنگونه که لیبرالیسم مدرن و سوسیالیست‌ها می‌گویند، هیچ اختیاری برای توزیع و بازتوزیع دارای‌های اقتصادی و مواهب اجتماعی ندارد.

#### ۴. کتاب نوزیک: نقد لیبرالیسم مدرن از منظر لیبرتارینیسم

پس از جنگ جهانی دوم توجه دوباره‌ای به فلسفه سیاسی و مشخصاً تقابل مباحث آزادی و عدالت به وجود آمد؛ در این میان «بیش‌تر لیبرال‌های راست‌گرا مانند هایک، نوزیک و فریدمن برابری را محل آزادی و با آن جمع‌ناپذیر می‌دانند و سخن گفتن از عدالت

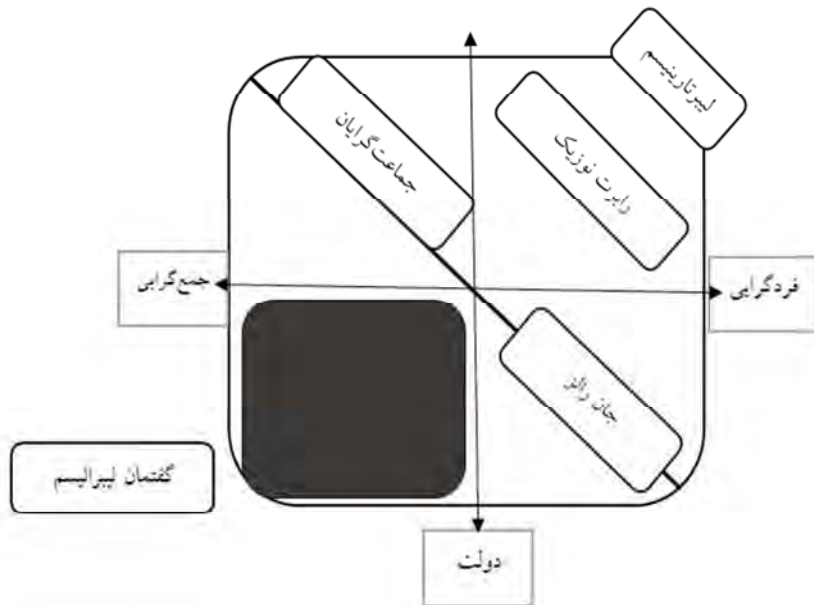
اجتماعی را در جامعه مرکب از افراد آزاد موجب پیدایش قدرتی برتر و سلب آزادی انسان‌ها می‌شمارند.» (بشیریه، ۱۳۸۳: ۲۴) برای لیبرال‌ها، هر دو مفهوم آزادی و عدالت، در نسبتی مشترک با مفهوم دولت قابل تعریف هستند. لیبرالیسم که تلاشی برای صیانت از حوزه خصوصی فرد در برابر اقتدار دولت است، شرح تأسیس دولت را با نظریه قرار اجتماعی آغاز می‌کند (مگی، ۱۳۸۲: ۴۲۴). در این میان و بر اساس رویکردهای متفاوتی که اندیشمندان لیبرال به نظریه قرار اجتماعی داشتند رویکرد لیبرتارینی به عنوان واکنشی در مقابل سنت دولت‌های رفاهی و بر اساس پایبندی به سنت لیبرالیسم کلاسیک<sup>۱۷</sup> پدیدار شد. نوزیک در کنار اندیشمندانی چون هایک، میزس، فریدمن (Friedman)، راتبارد (Rothbard)، راند (Rand) و جی‌رینگر در زمره لیبرال‌های رادیکال قابل شناسایی است. البته که مضامین و محتوای لیبرتاریسم (Libertarianism) طیف گسترده‌ای از اندیشه‌ها از نوام چامسکی تا رابرت نوزیک را در برمی‌گیرد (کیملیکا، ۱۳۹۵: ۲۳۷ - ۱۵۷). اما در مجموع می‌توان آن‌ها را بر اساس موضع‌گیری در برابر حدود تحدید دولت به دو گروه تفکیک کرد.

یک گروه، آنارشیست‌ها هستند که بیان می‌دارند حکومت کاملاً نامشروع و ناعادلانه است و گروه دوم که مینارشیست‌ها نامیده شده‌اند، که معتقدند حکومت‌ها می‌توانند وظایف حمایتی پلیسی، اجرای قراردادها، دفاع ملی (و نه بیش‌تر از آن‌ها) را به عهده گیرند. رابرت نوزیک، از مینارشیست‌های نام‌دار است. (فورسیت و دیگران، ۱۳۸۰: ۲۶۷)

اما در مجموع هر دو گروه در این که «آزادی، از حقوق اولیه هر فردی است»، «انتخاب آزاد فرد قابل تحدید نیست»، «حکومت نباید نقش پدرسالاری داشته باشد»، «دولت نباید به بازتوزیع ثروت پردازد» و «رقابت بازار آزاد، تعیین‌کننده قواعد است» توافق دارند (همان، ۲۹۰ - ۲۹۳) آنچه‌آنچه که رونالد دورکین می‌گوید که «ما همه در یک جهت کار می‌کنیم، ما همه در قبول نگرش لیبرالی هم‌داستانیم و مصرانه معتقدند یکی از اصول لیبرالیسم ادعای بی‌طرفی دولت نسبت به خیر و بشر و تقدم حقوق بر خیر است.» (سرپرست سادات، ۱۳۹۶: ۱۸).

در این میان و به واسطه جایگاه محوری عدالت به روایت رالز، منتقدینی از درون و بیرون ساحت لیبرالیسم به بررسی و نقد آراء وی پرداختند. فارغ از منتقدین بیرون گفتمانی، در درون گفتمان لیبرالیسم، در حالت کلی رالز با دو دسته منتقد روبرو است. آنچه‌آنچه که از

یک سو جماعت‌گرایان انتقاداتی را به ایده وی وارد می‌کنند؛ برای مثال چارلز تیلور بیان می‌دارد با آنکه «لیبرالیسم رالزی بر برداشت فردگرایانه در مورد «خود» متکی است، اما از این حقیقت غافل است که «خود»های ما به وسیله وابستگی‌های جماعت محدود و ساخته می‌شود.» (شاقول، ۱۳۹۳: ۱۳۵). در مقابل لیبرترین‌ها قرار دارند. نوزیک در واقع نقد نظریه عدالت لیبرال‌ها و مشخصاً جان رالز کتاب *بی‌دولتی، دولت و آرمان‌شهر* را منتشر می‌کند. او با رویکرد فردگرایی رادیکال و تأکید بر آزادی (اختیارگرایی)، یکی از سخت‌ترین مواضع را در برابر نهاد دولت و مفهوم عدالت اتخاذ می‌کند (حقیقت، ۱۳۹۱: ۳۸۳) و «تنها مشروعیتی که برای نهاد دولت قائل است، پاسداری از امنیت دارائی‌های شهروندان و حراست از ضمانت اجرای قراردادهای اجتماعی و اقتصادی است.» (بشیریه، ۱۳۷۸: ۱۲۵). نوزیک بیان می‌دارد که «دولت تنها باید اجازه دهد هرکسی با داشته‌های اولیه و اتفاقی خویش در جامعه آغاز نماید و این همان اصل آزادی طبیعی است.» (شاقول، ۱۳۹۳: ۱۴۸) به این ترتیب هرچه بر میزان اختیار دولت در راستای تحقق عدالت افزوده شود، شاهد کاهش آزادی فردی هستیم و می‌توان بر اساس مفاهیم فوق، با تسامح نمودار زیر را ترسیم کرد.

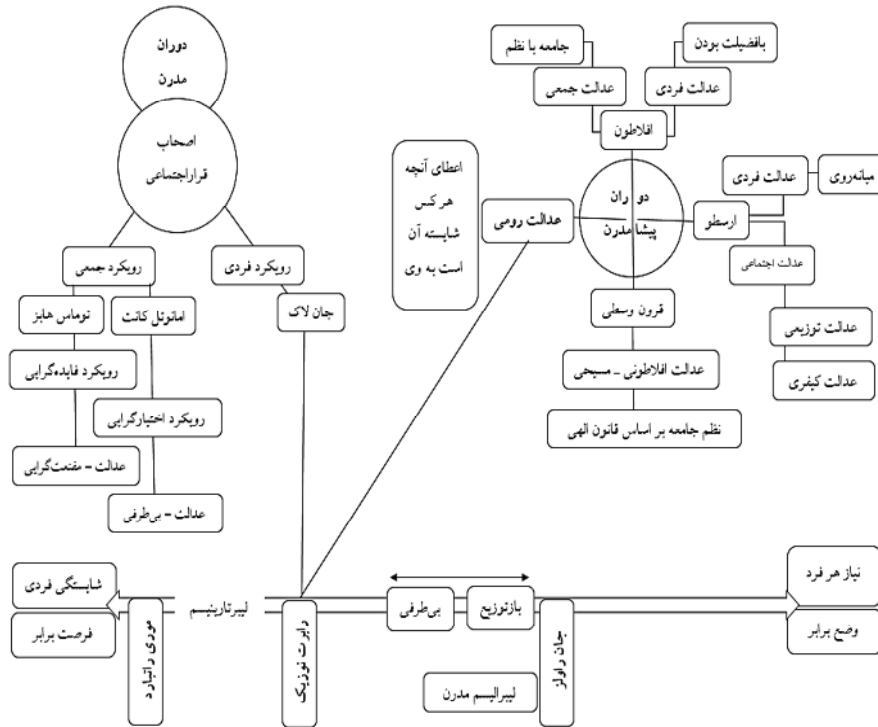


در طول تاریخ چرخه بین آزادی‌های بیشتر و دولت محدودتر و بلعکس، آزادی‌های محدودتر و دخالت‌های دولت همواره در ساختارهای سیاسی اقتصادی کشورهای لیبرال دموکرات دیده می‌شود (بنگرید به توحیدفام، ۱۳۸۱). لذا می‌توان بیان داشت که همانطور که ایده لیبرترین‌ها با ریگان و تاجر در دنیای سیاست وارد شد، ایده رالز نیز با کلیتون و اوپاما به عرصه سیاست عملی کشیده شد، البته که ایده لیبرترین‌هایی چون نوزیک سبب-ساز رشد بی‌سابقه اقتصادی در آمریکا و انگلیس شد.

در مجموع می‌توان بیان داشت که نقد نوزیک نقدی دورن‌گفتمانی به آراء رالز بود که با تکیه بر مبانی لیبرالیسم کلاسیک به عنوان یک راست جدید، رالز را متهم می‌کرد که از لیبرالیسم قرن نوزدهمی فاصله گرفته است. او به برابری‌خواهی جان رالز پاسخی اختیارگرایانه (لیبرترین) می‌دهد. نوزیک به عنوان قهرمان سرمایه‌داری و طرفدار اختیارگرایی (لیبرترین) در برابر فرهنگ (دولت) رفاه اجتماعی، مورد استقبال قرار گرفت و کتاب *بی‌دولتی، دولت و آرمان‌شهر* به منابع درسی الزامی دوره‌های آموزشی فلسفه سیاسی و علم سیاست تبدیل شد.

## ۵. تقابل عدالت استحقاقی با عدالت توزیعی

تشریح ایده عدالت استحقاقی نوزیک و نقد عدالت توزیعی رالز توسط وی، مستلزم ترسیم جغرافیای مطالعات عدالت است. شرح کامل این جغرافیا به وسعت تاریخ فلسفه پهناور است و در یک نوشتار نمی‌گنجد؛ اما می‌توان به اختصار به سیر آن اشاره داشت تا جایگاه عدالت استحقاقی نوزیک و رویکرد انتقادی وی به عدالت توزیعی رالز در کتاب *بی‌دولتی، دولت و آرمان‌شهر* تشریح کرد<sup>۱۸</sup>. لذا فارغ از این که بیان می‌شود مفهوم کلان عدالت در سه وجه کلام (وصف فعل خداوند)، اخلاق (وصف فعل انسانی) و علوم اجتماعی (وصف مناسبات نظام‌های اجتماعی) قابلیت صورت‌بندی دارد؛ هر مکتب نظری و اندیشمندی تفکیک‌های دیگری نیز بر آن رقم زده است (استاینر، ۱۳۸۲: مقدمه مترجم) و صرفاً نسبت این اندیشمندان و هم‌افزایی‌هایی که در نظریه‌های عدالت رخ داده می‌تواند جایگاه عدالت استحقاقی نوزیک را تشریح نماید.



بر اساس نمودار فوق می‌توان دریافت که نظریه عدالت استحقاقی نوزیک با تکیه بر «ایده عدالت رومی» و «رویکرد لاک» در عدالت» نظم می‌گیرد و همانطور که در نمودار بالا آمده، هر دو این پایگاه‌های فکری دارای پیشینه تاریخ فکری می‌باشند. از سوی دیگر بر اساس دوگانه نیاز (وضع برابر) / شایستگی (فرصت برابر) می‌توان نسبت نظریه عدالت استحقاقی نوزیک با نظریه عدالت توزیعی رالز را ترسیم کرد.

رالز به دنبال حل مشکل عدالت توزیعی و رفع تراحم بین برابر و آزادی، دو اصل آزادی و تفاوت را مطرح کرد.

بر اساس اصل آزادی، هر فرد حقی برابر با دیگران در بهره‌مندی از بیشترین آزادی‌های بنیادین دارد. اصل تفاوت، در خصوص تشریح نابرابری در توزیع، نابرابری‌های اقتصادی - اجتماعی را تا آنجا می‌پذیرد که بیشترین نفع را برای کم‌بهره‌ترین اعضای جامعه داشته باشد و دستیابی به مقامات و مناصب تحت شرایط فرصت‌های برابر منصفانه برای همه ممکن باشد. (شاقول، ۱۳۹۳ : ۱۳۸).

به نظر وی دولت باید بر اساس این دو اصل، حداقلی از یک زندگی خوب را برای همه شهروندان فراهم آورد و این نقطه شروع رالز، زمینه نقد نوزیک را فراهم آورد. تفاوت دو دولت مد نظر رالز و نوزیک بر حول مسئله بازتوزیع و عدم آن از سوی دولت رفاه رالزی و دولت حداقلی نوزیکی شکل می‌گرفت. مسئله‌ای که نوزیک در بخش دوم کتاب *بی‌دولتی، دولت و آرمان‌شهر* به آن می‌پردازد. او در بخش دوم این کتاب می‌گوید وقتی ما بر اساس اصل تفاوت و برای حداکثر کردن بهره‌مندی فقیرترین بخش جامعه، پولی را به زور در قالب مالیات یا غیره از ثروتمندی می‌گیریم و به فقیر می‌دهیم، در حالی که قانوناً این پول به وی تعلق داشته و طبق یک فرآیند عادلانه آن را به دست آورده، نه تنها عادلانه برخورد نکرده‌ایم، بلکه عدالت را زیر پا گذاشته‌ایم (نوزیک، ۱۳۹۵: ۲۲۰ - ۲۲۴). چراکه برای نوزیک عدالت درباره رعایت حقوق افراد است. به زعم نوزیک، اصل تفاوت رالزی شامل «اصول ناظر به آخرین وضع» (برابری در وضع) شکل گرفته و بدون توجه به تاریخ کسب دارایی از سوی فرد (غیرتاریخی) در پی ایجاد عدالت است. در صورتی که هر نظریه عدالت باید تنها نسبت به وضعیت نهایی بی‌طرف باشد. لذا در نظریه عدالت استحقاقی دولت به حفاظت از حقوق فرد محدود می‌شود و نمی‌تواند مواهب اجتماعی و منابع اقتصادی را بازتوزیع کند (نوزیک، ۱۳۹۵: ۲۵۹). لذا هر دارایی‌ای که فرد از سه راه زیر کسب کند غیرقابل تصاحب از وی است: «عدالت در اکتساب»؛ یعنی اینکه چگونه مردم اشیا و کالاها را از روی استحقاق به دست آورند، «عدالت در نقل و انتقال»؛ یعنی اینکه اشیا و کالاها را به صورت داوطلبانه و غیراجباری به دیگران منتقل کنند و «عدالت به معنی رفع بی‌عدالتی» که ناشی از نقض دو اصل نخست است. به عبارتی روشن‌تر «نابرابری در وضعیت نهایی»، عین عدالت استحقاقی است.

نوزیک در کتاب *بی‌دولتی، دولت و آرمان‌شهر* ارتباط تنگاتنگی مابین سه‌گانه «عدالت استحقاقی»، «دولت حداقلی» و «حقوق طبیعی فرد» برقرار می‌سازد و بیان می‌کند «هیچ عملی نمی‌تواند حق طبیعی فرد را نقض کند» (نوزیک، ۱۳۹۵: ۲۳۳) و دولت حق ندارد «ثروت او را بدون کسب رضایت وی برای توزیع به فقرا و محرومان سلب کند، زیرا به بهانه تأمین عدالت (استحقاقی)، حق قانونی مالکیت فردی را مخدوش می‌کند.» (سرپرست سادات، ۱۳۹۶: ۱۶). بخش دوم کتاب نوزیک در رفت‌وآمدهای مکرر به این سه‌گانه پرداخته است؛ نوزیک نتیجه می‌گیرد که از مسیر عدالت به‌مثابه استحقاق نمی‌توان از روی نتایج، فرآیندها

را زیر سوال برد. بنابراین با مطرح کردن این گزاره ارزشی که «توزیع درآمد نابرابر است»، نمی‌توان نتیجه گرفت که «توزیع درآمد ناعادلانه است». (همپتن، ۱۳۸۰: ۲۵۵).

## ۶. ارزیابی نهایی: نوزیک، ایستاده در میانه دوگانه‌ها

به نظر جین کازز (۱۳۹۵)، چهار ضرورت برای زندگی خوب وجود دارند که شامل «خوشبختی»، «استقلال»، «هویت‌مندی» و «اخلاق» است؛ اما فراتر از این شروط بنیادین، کیفیت زندگی خوب شامل انتخاب خوب میان تمایلات و آرزوهای خوب متنوع و گاه متناقض است؛ بخشی از پاسخ به نحوه سازوکارهای تحقق و دستیابی به این آرزوهای خوب متنوع و گاه متناقض، در قالب نظریه‌های عدالت مطرح می‌شود؛ مهم‌ترین نظریه‌ای که در قرن بیستم در این خصوص مطرح شد، نظریه عدالت به‌مثابه انصاف از جان رالز است. این ایده تا به آنجا محوریت مباحث عدالت‌پژوهی را تصاحب کرده که رابرت تلیس (۱۳۷۵: ۲۵) درباره آن می‌نویسد:

نظریه‌ای در باب عدالت اثری است نیرومند، عمیق، ظریف، پردامنه و سیستماتیک در فلسفه سیاسی و فلسفه اخلاق که از زمان نوشته‌های جان استوارت میل تا کنون حتی شاید پیش از آن نظیر نداشته است... اکنون فیلسوفان سیاسی یا باید در محدوده نظریه رالز نظریه‌پردازی کنند یا باید توضیح دهند که چرا چنین نمی‌کنند.

این جمله یادآور سخن فیودور داستایفسکی درباره نیکلای گوگول است؛ چرا که نویسندگان روس تا صد سال پس از گوگول نمی‌توانستند خود را از زیر سایه شیخ گوگول رها کنند و ناخواسته رنگ و بوی نوشته‌های آنها هم‌رنگ رنگ‌آمیزی‌های بدیع و لطیف او بود. از داستایوفسکی، چخوف و تولستوی تا تورگنیف و نکرسوف همه و همه خود را شاگردان مکتب گوگول می‌دانستند؛ داستایفسکی در این باره می‌نویسد: «همه ما از زیر شنل گوگول بیرون آمدیم»<sup>۱۹</sup>. البته شگفت‌آور آن‌که به رغم موفقیت نسبی جان رالز در کسب طرفدار از میان صاحب‌نظران، این اندیشه نوزیک است که در عمل، راهنمای جوامع غربی در برقراری نظام اقتصاد بازار بوده است.

سه بخش کتاب بی‌دولتی، دولت و آرمان‌شهر را می‌توان سه مرتبه خواند. مرتبه اول با نگاه به جایگاه مفهوم عدالت، مرتبه دوم با نگاه به مفهوم دولت و مرتبه سوم با توجه به



### چرخش‌های عدالت: نقد عدالت لیبرالی از منظر ... (شهاب دلیلی) ۱۸۳

تقدم ایده حق فردی بر خیر عمومی. هر سه خوانش، خواننده را به سمت رویکرد لیبرتارینیستی رابرت نوزیک رهنمون می‌سازد.

در مقابل برخی از انتقادات وارد شده به ابعاد نظریه عدالت استحقاقی رابرت نوزیک در کتاب *بی‌دولتی، دولت و آرمان‌شهر* عبارتند از:

**اول؛** تمام ایده‌های نوزیک به نحو فلسفی‌تری ریشه در آرای فردریش فون هایک دارد. تمام مسائلی که نوزیک درباره بی‌معنایی عدالت توزیعی، رد هرگونه الگوی پیش‌نویس شده از عدالت و نفی قواعد مبتنی بر یک وضع نهایی مفروض در فصل هفتم کتابش بیان می‌کند به‌طور کامل‌تری در اندیشه هایک یافت می‌شود. بستری که هایک به تبیین جایگاه عدالت می‌پردازد عبارت است از: الف) نگاه به جامعه به مثابه یک نظم متکی بر اراده‌های متکثر و متفاوت یا نظم خودجوشی که براساس برنامه‌ای از قبل طراحی شده است و تحت یک اراده تحمیلگر عمل نمی‌کند و ب) آزادی و اختیار انسان‌ها، ارزش محوری به شمار می‌رود (Hayek, 1967 : 10). به نظر هایک دولت متولی تأمین رفاه عمومی و نیازهای افراد جامعه نیست زیرا نه رفاه و نیاز هرکس را می‌داند و نه می‌تواند آن را به انجام رساند. دولت صرفاً مسئول زمینه‌سازی است تا افراد و گروه‌های اجتماع بتوانند رفاه خود را راحت‌تر تأمین کنند (Hayek, 1967 : 12). البته سوالی را توأمان می‌توان از هایک و نوزیک پرسید مبنی بر این که آیا ایده دولتی که همه ویژگی‌های خود را وانهاد تا تنها به محافظت از حقوق فرد و نگرهبانی شبانه بپردازد، صرفاً ایده‌ای ساده و گیرا نیست؟!

**دوم؛** بخشی از انتقادهای وارد به ایده نوزیک از سوی لیبرترین‌های رادیکال‌تر از وی بر او وارد شده است. آنچنان که آنارشیست‌های رادیکال هم‌چون موری راتبارد بر ایده دولت کمینه نوزیک نقدی ارائه می‌کنند مبنی بر این که نظریه دولت کمینه بر طبق اصل دست‌نارئی (که در نظریه وی منجر به شکل گرفتن همین دولت کمینه شد) منجر به از هم پاشیدن دولت کمینه و حرکت به سمت آنارشیسم خواهد شد و این خود تناقضی در ایده دولت کمینه نوزیک محسوب می‌شود!

**سوم؛** بخشی دیگر از منتقدین نوزیک از منظر جماعت‌گرایی بر فردگرایی رادیکال نوزیک انتقاداتی را مطرح می‌کنند؛ مبنی بر این که نمی‌توان به گونه‌ای شهودی باور کرد که همه انسان‌ها می‌خواهند از حداکثر آزادی برخوردار باشند؛ چرا که ارزش‌گذاری بر مواهب اجتماعی بسته به زمینه‌مندی جوامع انسانی متغیر است و حوزه‌های عدالت تنها بسته به

ماهیت آن موهبت اجتماعی قابل بررسی می‌باشند. برای مثال انسانی که در درجه اول فرضاً در یکی از کشورهای خاورمیانه زندگی می‌کند و خانه و مسکنی ندارد و از آن گذشته اساساً دارای شغلی نیست و یا اینک یک شغل کاذب دارد و به نان شب محتاج است، آزادی از منظر نوزیک را می‌تواند فهم کند و اساساً آزادی از دیدگاه او چه معنایی دارد؟!

**چهارم:** انتقادی دیگری نیز از جانب برخی جماعت‌گرایان در خصوص آراء مطرح شده در *بی‌دولتی*، *دولت و آرمان‌شهر* مطرح می‌شود مبنی بر این که نوزیک تحت تأثیر دیدگاه انسان‌شناسی کانت به اصالت فرد باور دارد. فرد از این منظر، مستقل از سنت و جایگاه اجتماعی خود دارای هویت مستقلی است. در واقع، از این منظر حقوق فرد بر مفهوم غایت و سعادت بشر تقدم دارد. در حالی که به نظر جماعت‌گرایانی چون مک‌ایتایر «فرد هویت خود را از شهر می‌گیرد و فرد به ماهو فرد هویت اخلاقی مستقلی ندارد» (MacIntyre, 1983: 455).

**پنجم:** دسته‌ای دیگر از انتقادات از منظر بیرون‌گفتمانی و از جنس رویکرد مطالعات اقتصادی بر فلسفه سیاسی نویسندگانی چون نوزیک و رالز مطرح می‌شود مبنی بر این که اصولاً نوزیک و رالز هر دو فلاسفه سیاست هستند و اقتصاددان نیستند. وارد کردن این دو در رده مباحث اقتصادی چندان صحیح نیست. هر دو این افراد در واقع مفهومی از عدالت را در نظر دارند که زائیده سنت تاریخی عصر روشنگری از قرن هفدهم به بعد است. ریشه هر دو اندیشه را باید در افکار جان لاک و امانوئل کانت و سنت اندیشه فلسفی آنان دانست. بنا بر این بیشتر در سنت فلسفه و فلسفه سیاست قرار دارند تا اندیشه اقتصاد.

**ششم:** نقد بعدی بر کتاب *بی‌دولتی*، *دولت و آرمان‌شهر* از منظر مقایسه‌مبانی استدلالی این نظریه با دیگر نظریه‌های عدالت قابل طرح است. با مطالعه نظریه‌های متنوع در عرصه عدالت‌پژوهی به نظر می‌توان حکم کرد که هر نظریه عدالت باید مشخص کند که بر چه پایه‌های استدلالی تکیه زده و چگونه برتری خویش را بر دیگر اندیشه‌های رقیب اثبات می‌کند. همچنین پرسش آن است که چرا باید به مفاد و اصول عدالت پیشنهاد شده پایبند و ملتزم بود و آن را اساس ساختار جامعه قرار داد؟ نوزیک در نظریه عدالت استحقاقی اساساً خود را در مسئله توجیه و اثبات استدلالی فهم خویش از اصول عدالت درگیر نمی‌کند و آن را مغفول می‌نهد و صرفاً به تبیین تلقی خاص خویش از محتوای عدالت و نقد آرای رالز بسنده می‌کند.

**هفتم؛** انتقاد بعدی بر این کتاب را می‌توان از جانب رویکرد برون‌گفتمانی لیبرالیسم مطرح کرد. آنچنان که منتقدین لیبرالیسم بیان می‌دارند که در روایت تاریخی نوزیک از عدالت کمترین اشاره‌ای به فرایند انباشت اولیه، رونق بازار در قبل و بعد از صلح و ستفالی، کشف قاره آمریکا و انقلاب صنعتی و دیگر فرایندهای انباشت ثروت نمی‌شود. در حالی که باید این عوامل تاریخی برای نظریه نوزیک مهم باشند؛ چون نظریه عدالت استحقاقی او اکتساب و انتقال ثروت از یک شخص به شخص را در سطحی تاریخی- نظری و در فرایند شکل‌گیری جوامع مدرن توضیح می‌دهد.

## ۷. نتیجه‌گیری

در مجموع و بر اساس جدول زیر می‌توان بیان داشت که در میان سه دسته نظریاتی که به نسبت میان آزادی و عدالت پرداخته‌اند، نوزیک همچنان در دسته تجددگرایان جهان‌شمول گرای لیبرال قرار می‌گیرد.

|                    |                       |             |
|--------------------|-----------------------|-------------|
| جهان‌شمول‌گرایان   | تجددگرا / بنیان‌گرا   | کل‌گرایی    |
| جماعت‌گرایان       | تجددگرا / زمینه‌گرا   | محلّی‌گرایی |
| ضدجهان‌شمول‌گرایان | پساتجددگرا / نسبی‌گرا | نسبی‌گرا    |

نوزیک در کتابش هم‌چون رالز ایده‌های جهان‌شمولی و ابدی - ازلّی ارائه می‌کند و جهان غیرلیبرال را نمی‌بیند. او نیز صرفاً در کتاب *بی‌دولتی، دولت و آرمان‌شهر* دوگانه‌هایی را مطرح می‌کند و در میانه آزادی / عدالت، خیر عمومی / حق فردی، دولت کمینه / دولت رفاهی، آنارشی / دولت فراگیر، برابری / نابرابری، نیاز / شایستگی، وضع برابر / فرصت برابر و... قرار می‌گیرد و به جانب‌داری از یکی دیگری را نقد و رد می‌کند. دوگانه‌هایی که در جهان غیرلیبرال و غیرغربی واجد تعاریفی محلّی و زمینه‌ای هستند.

در مجموع و بر اساس انتقادات وارد شده به کتاب نوزیک، می‌توان بیان داشت که تا حدود زیادی روایت جماعت‌گرایان از لیبرالیسم برای تحقق توأمان عدالت و آزادی در جوامع غیرلیبرال هم‌چون دولت - ملت‌های خاورمیانه و به طور مشخص ایران کارآمدی بیشتری دارد و آراء نوزیک را کمتر می‌توان به این جوامع تعمیم داد.

## پی‌نوشت‌ها

۱. این پاسخ‌ها همواره در قالب واکنش‌های حاکمیت به این پرسش قابل بررسی است.
۲. (1938 – 2002)
۳. کتاب «Anarchy, State and Utopia» در ایران با یک ترجمه شناخته می‌شود که پیش‌تر به آن خواهیم پرداخت؛ اما مسئله‌ای که توجه ذهن پرسشگر را به خود جلب می‌کند ترجمه متنوع نام کتاب در نوشتارها و مقالات است. آنچنان که در بهترین حالت ممکن دکتر محسن رنجیر عبارت «بی‌دولتی، دولت و آرمان‌شهر» را برابر عنوان لاتین قرار می‌دهند. اما در برخی موارد عناوینی هم چون «آنارشی، دولت و یوتوپیا» (بیشتر عین عبارت اصلی) نیز به کار می‌رود. اما کار به اینجا ختم نمی‌شود و عباراتی چون «دولت‌ستیزی، دولت و مدینه‌فاضله» و حتی «هرج‌ومرج، دولت و ناکجاآباد» نیز برای برگردان عنوان اصلی کتاب انتخاب شده‌اند! ما در اینجا صرفاً عنوان اول را مورد شناسایی قرار می‌دهیم.
۴. اشتتل (Shtetl)، شهرهای کوچکی در اروپای شرقی و مرکزی بود که جمعیت زیادی از یهودیان را در خود جای داده بود. در جریان هولوکاست اکثر جمعیت یهودیان این مناطق از بین رفت.
۵. ۳ سال پس از انتشار کتاب *نظریه عدالت رالز*، کتاب *نوزیک منتشر شد*.
۶. به بیان فردریش فون هایک (هایک، ۱۳۹۰: ۱۲)، نوزیک با خواندن کتاب *فردگرایی و نظم اقتصادی* وی از آراء نویسندگان سوسیالیست دست کشید.
۷. نوزیک می‌نویسد که من نمی‌خواهم مابقی زندگی پس از انتشار *بی‌دولت، دولت و آرمان‌شهر* را صرفاً به این کتاب و پاسخ به انتقادات به این کتاب و نقد پاسخ‌های دیگران به پاسخ‌های من گذران کنم.
۸. در این دوره شاهد جنبش‌های دانشجویی ضد قدرت و غالباً آنارشیستی هستیم.
۹. برخی از شارحان نوزیک وی را مدافع اختیارگرایی افراطی می‌دانند در این خصوص بنگرید به (لسناف، ۱۳۹۵: ۴۰۱).
۱۰. کتابی که بیشتر می‌توان آن را یک شبه خود زندگی‌نامه نویسی نامید.
۱۱. شاید به خاطر این بازیابی‌های فلسفی است که نوزیک در انتخاب همسر دومش شاعری به نام «گرتورد شناکنبرگ» را انتخاب کرد.
۱۲. با توجه به نام کتاب *Anarchy, State, and Utopia* به نظر می‌رسد ایده مرکزی این کتاب را بتوان در حالت سلبی و ایجابی مختص به دولت نماییم. آنچنان که می‌توان نام این کتاب را *محتوای محور به بی‌دولتی، دولت و دولت کمینه* ترجمه کرد.

۱۳. جان لاک

۱۴. البته با توجه به محتوای اندیشه نوزیک، شاید بهتر باشد در ترجمه رنجبر کمی دخل و تصرف نماییم و به جای عبارت «آدمیان»، عبارت «افراد» را بگذاریم که به متن انگلیسی و فحوای کلام نوزیک نیز نزدیک‌تر است.

15. Individuals have rights, and there are things no person or group may do to them (without violating their rights).

16. that a minimal state, limited to the narrow functions of protection against force, theft, fraud, enforcement of contracts, and so on, is justified; that any more extensive state will violate persons' rights not to be forced to do certain things, and is unjustified.

۱۷. سنت‌های لیبرالیسم کلاسیک را می‌توان در میانه اندیشه‌های آدم اسمیت، جان لاک، پدران قانون اساسی آمریکا و سنت حقوق طبیعی و قرارداد اجتماعی (هابز، لاک و کانت) تعریف کرد.

۱۸. این جغرافیا را می‌توان بر اساس یک ایده، یک مکتب نظری و... ترسیم کرد؛ که در اینجا به جهت بررسی و نقد کتاب بی‌دولتی، دولت و آرمان‌شهرنیزامند ترسیم این جغرافیا بر اساس مرزبندی اندیشمندان صورت می‌گیرد.

۱۹. شینل نام داستان کوتاهی است نوشته «نیکلای گوگول» (نویسنده روس) است که در سال ۱۸۴۲ منتشر شد. داستان شنل تأثیر زیادی بر ادبیات روسیه داشته‌است که این امر باعث گفته معروف فیودور داستایفسکی شد که گفت: «ما همه از زیر شنل گوگول درآمده‌ایم».

## کتاب‌نامه

- بشپریه، حسین (۱۳۸۳) *تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم*، تهران: نشر نی.
- تلیس، رابرت (۱۳۸۵) *فلسفه رالز*، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: طرح نو.
- توحیدفام، محمد (۱۳۸۱) *دولت و دموکراسی در عصر جهانی‌شدن*، تهران: نشر روزنه.
- توحیدفام، محمد (۱۳۹۱) «چرخش در نظریه عدالت جان رالز: از آرمان‌گرایی متافیزیک تا واقع-گرایی سیاسی»، *فصلنامه رهیافت‌های بین‌المللی*، شماره ۲۹، بهار.
- حقیقت، سیدصادق (۱۳۹۱) «اصول عدالت سیاسی»، *مجله نقد و نظر*، سال سوم، شماره ۲ و ۳.
- دلاکامپانی، کریستیان (۱۳۸۲) *فلسفه سیاست در جهان معاصر*، ترجمه بزرگ نادرزاد، تهران: نشر هرمس.

سرپرست سادات، سیدابراهیم (۱۳۹۶) «مفروضات انسان‌شناختی رابرت نوزیک و نقد اجتماع-گرایانه مک‌ایتایر بر آن»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، سال ۸، شماره ۲، پیاپی ۴۸، زمستان.

شاقول، یوسف (۱۳۹۳) «بررسی نقدهای مایکل سندل و رابرت نوزیک بر ناسزگاری اصل تفاوت و فردگرایی در نظریه جان رالز»، فصلنامه غرب‌شناسی بنیادی، سال ۵، شماره ۱، بهار و تابستان.

فورسیت، موری و دیگران (۱۳۸۰) نقد و بررسی آثار بزرگ سیاست سده بیستم، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: دانشگاه تهران.

کیملیکا، ویل (۱۳۹۵) درآمدی بر فلسفه سیاسی معاصر، ترجمه: میثم بادامچی و محمد مباشری، تهران: نشر

مگی، برایان (۱۳۸۲) مردان بزرگ اندیشه، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: طرح نو.

نایجل واربرتون، جاناتان ولف (۱۳۹۴) پنج کتاب سازنده فلسفه سیاسی، ترجمه محسن اسلامی، سایت فرهنگ امروز، یکشنبه ۳۰ فروردین.

نوزیک، رابرت (۱۳۹۵) بی‌دولتی، دولت و آرمان‌شهر، ترجمه محسن رنجبر، تهران: مرکز

هایک، فون (۱۳۹۰) در سنگر آزادی، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: اختران.

همپتن، جین (۱۳۸۰) فلسفه سیاسی، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: طرح نو.

MacIntyre, A. (1983). Moral Rationality, Tradition, and Aristotle: a Reply to Onora O'Neill, Raimond Gaita, and Stephen R. L. Clark, *Inquiry*, 26(4), pp.66–447.

[www.britannica.com/biography/Robert-Nozick](http://www.britannica.com/biography/Robert-Nozick)

[www.biography.yourdictionary.com/robert-nozick](http://www.biography.yourdictionary.com/robert-nozick)